

در آنجا بود از راه دریا فرستادند و کتل انسانی دولت عثمان
 هر یک بقایق خوانسته همراه جهاز و مدارکات بجا رفت
 مزبور فرستاد روز دیگر نیز غنچه مرزبوره را با اسلحه
 تمام از عمارت چراغان از راه خشکی بجا رفت بالذکر
 برود کتل متوقفین اسلامبول از انسانی دولت و جا کران
 دیوان و خوانین و رعایا و اهل دول خارج درین عرصه
 بلوازم جشن و سرور اقدام نمودند خدمات جناب شهباشا
 نسبت بدولت خویش مشهور و معلوم است که سالها با کمال
 صداقت و فطانت و کفایت خدمت بدولت می کند و در
 مزبور معلوم است بجهت خدمات او است که مشور خاطر
 گردیده است

ایشان در روزنامه اسلامبول نوشته اند که عباس شهباشا
 حکمران مملکت مصر درین اوقات وفات یافته است و
 سجده بجای او حکمرانی آن مملکت برقرار شده است
 در اسکندریه بود وقتیکه خبر فوت عباس شهباشا رسید
 از آنجا با بعضی جا کران دیوانی و کتل قونولها و قونول
 جزالها و صاحب منصبان دول خارجه که در آنجا بودند
 روانه قاهره پای تخت مصر شدند و بتاریخ هدی قنده
 فریاد می از اسلامبول با دستخط شریف سلطانی که
 در باب تفویض حکومت مملکت مصر به سعید پاشا منصوبیت او
 بجای مرحوم عباس شهباشا حکمرانی آن ولایت صادر شده بود

مامور و روانی مصر گردید
 در روزنامه آخر که از اسلامبول رسید در باب تغییر غلامان
 باین طور نوشته بودند که در سرخ مال اسمعیل کبیده که چهار
 از چهل صد پهل و سه و چهل و چهار فرس و کتدم فلان

کبیده چهل و چهار و چهل و دو فرس و کتدم روم علی
 کبیده سی و چهار تاسی و پنج فرس و کتدم سعید روم علی
 کبیده سی و شش فرس و شش تا چهل فرس و کتدم سعید روم علی
 نوزده فرس و شش و زرت میجد و فرس تا ببت و دو فرس
 که بحساب این ولایت کتدم یکچهار بوزن شت عباسی تخمیناً
 پنج تومان وجود و تومان و پنجاه دینار می شود و درین اوقات
 نرخ غله درین ولایت قدری ترقی دارد با اینکه امسال
 بارندگی زیاد در آن صحنه شده و حاصل سال بسیار خوب

بعل آید است

از هزار که از دمشق نوشته اند امسال کمتری از آنجا بزیارت
 بیت الله محرام فرستادند و در آخر ماه سوال عارف پاشا
 میر حاج با قافله حاج از دمشق روانه شد

درین روزها کشتی جنگی پادشاه با کتدم بصیر آمد و چون
 در آنجا توقف نموده بعد از آن بولایت خود مراجعت کرد
 چونکه سرسنگ کشتی مزبور کشتیمانان بسیار خوش سلوکی
 با اهل شهر کرده بودند خصوصاً در خاموش کردن آتش که
 بان شرافت داده بودند دست از جان خود کشید و باید
 خلق آمده بودند بدین سببها اهل شهر از رفتن سینه سنگ
 کشتیمانان مزبور بسیار متاسف بودند و فرنگیها که قفس
 آنجا بودند همه کاغذ رضامندی نوشته قول گذاشته
 بصاحب منصب کشتی مزبور دادند

ناخوشی و باد اسلامبول و بعضی جایهای آن سمت برزور کرد
 و لکن تا بحال چندان شدت نموده است و در اسمیه شهرت
 داشت که ناخوشی بود و لکن اطباء درین باب و دفرقه شده بود
 بعضی معتقد بر وز این ناخوشی در آن ولایت بودند و بعضی دیگر

۱۲۲۳

انکار این معنی را میکردند و می گفتند ناخوشی درین است
 است اما ناخوشی و بابت
 راه آهن که مابین اسکندریه در کنار آق ائیکر و قصبه سیون
 در ساحل بحر الاحمر است کم مانده است که نصف بیشترش تمام
 انظار راه که مابین اسکندریه و قاهره مصر است تمام شده
 کمر فرسخ و نیم آن باقی است که آنرا هم در کارند که بسازند
 حالا هم سیاح در کالک درین راه می نشینند و در آنجا که
 راه ناقص است از کالک چرخ بخار بیرون می آیند و
 واسط سوار میشوند تا با نظرف راه که درست شده است
 برسند حالا از اسکندریه تا مصر در دو روز ساعتی
 و هیکه راه تمام ساخته شود روز و دو تنگرفت

پسکی و نیای شمالی

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند گفتگونی
 مابین وزیر مختار دولت اسپانیول و های این دولت
 درین اوقات قریب با صلاح بود چندی پیش ازین کشتی
 از اهل پسکی و نیای شمالی در جزیره کوبه که در حیطه تصرف
 دولت اسپانیول بود گرفته بودند بیانه اینکه اسپانیا
 درین کشتی نشسته اند بجزیره مزبور آمده اند که فتاد و
 یا عسکری در میان خلق برپا نمایند حال دولت اسپانیول
 راضی باین شده اند که قیمت کشتی و ضرر صاحبان نخواهد
 مزبور را بپسند اما بعضی از اهل پسکی و نیای شمالی باین جزیره
 دوخته اند راضی باین هر چند شده اند و میخواهند جزیره مزبور
 بهر طور که باشد تصرف نموده و اهل مالکیت پسکی و نیای شمالی

احوال ات متفرقه

در بعضی از مالک فرنگستان دخترها هستند که از دنیا

کشد بسیار پوسش میشوند و مشول امور است خیر و لو
 میکردند ازین دخترها که اکثرشان فرانسستند در مالک
 عثمانیه جمعیت پیدا شدند که در معالجه و پرستاری مرضای
 بسیار بکار خورده اند خصوصاً درین روزها که ناخوشی و با
 در بعضی از شهرهای مالک عثمانیه بروز کرده است این
 شب و روز مشول معالجه و پرستاری خلق هستند و چون شنیده
 که در کلیسای نسبت بجای دیگر این ناخوشی بیشتر بروز
 دارد چند نفر با سنجارفته اند که در بیمار خانهای که دولت
 محض معالجه مرضای فقر ابراه انداخته اند مشول معالجه و پرستاری
 بیمارها شوند و دولت فرانس در نزدیکی اسکندریه
 بیمارخانه بجهت کسانی که ناخوشی و با میگیرند بر راه انداخته
 در آنجا هم ازین دخترها گرفته اند که معالجه و پرستاری و بیمارها

تاسید

در روزنامه اسپانیول نوشته اند که در شهر جزیره مینش
 افتاده و اسمعیل شاکم آنجا رود و خبردار گردیده آتش را
 چنان خاموش کرده بود که بیشتر از یک خانه سوخته بود و شش
 نسبت بشهرهای دیگر آن قسمت سنج خاموش کردن آتش
 اگر اتفاق بیفتد بی تدارک است بیشتر از سنج خنق آب پاشی در
 آنجا ندارند و نظام آتش خاموش کن آنجا نیز مانند اسکندریه
 نظم ندارند در این گذار آتش را در روزنامه چاپ زده اند که
 رفع این عائله تاسید و علاج بکنند سال پیش ازین که آتش
 با آنجا افتاده بود چنان شدت کرده بود که کشته از خانها
 بسیار که سوخته بود انبارها و کالین و جد و کاروانسرا
 و غیره هم فراوان سوخت و درختهای زیون نیز بسیار
 گرفت و چون گذران اهل آنجا از حاصل زیون است که در

۱۲۲۴

اورا گرفته میفرود شدند خرابی و ضرر بسیار این بابت
 با مالی آنجا رسید که تا سالهای سال تلافی این خسارت
 و بطوریکه پیش ازین تشریف رفتن آباد و باغات زمین
 داشت بسیار طول دارد که بان سرخانه بیاید درین
 آخر دو بلیه بزرگ باین جزیره روی داده است یکی تشریف
 که بان تفصیل خرابی فاحش با آنجا رساند و یکی هم بعد از
 حرکت مستانی در آنجا ثبت شد هر دو بطوریکه هر چه در
 زمین که از آن تشریف باقی مانده بود سطر ضایع کرد

درین روزها از مملکت ستر ایلیا بولایت انگلیس خبر
 روز آمده بود که سابقا در پنج ماه پیش با جزیره سید و این
 از راه پانامه آمده است حساب کرده اند که هشتاد راه این
 ماهن دو دریای آنجا ساخته شود سیاحت و مکاتیب از
 استر ایلیا بولایت انگلیس در پنجاه روز میرسد

در ولایت پارتیه و در موطنه مملکت ایتالیا درین اوقات
 جزئی شده بود اما زود موقوف کرد

و در لب سینک پسر قوه راجه بنجید سینک که سابقا حکمران
 لاجور و پنجاب و کشمیر بود درین روزها بولایت انگلیس
 بعد از وفات رنجید سینک به حکام طغولیت ده لیت
 و الیه اورانی نام مملکت رانی میگردد و چند سال هم با
 انگلیس جنگ میکرد و قتی که انگلیسها پنجاب را تصرف
 رانی نیز پور از اوقات با پیش ده لب سینک در هند
 بودند و از دولت انگلیس مواجب میگرفتند درین اوقات
 بولایت انگلیس رفته است و در راه که از هند وستان
 می آمد در هر جا که منزل کرده بود کمال اعزاز و احترام نسبت
 با و بعلل آورده بودند در مانده همان حاکم جزیره مقرر شده بود

و از جبر التارک عموی میگردد تو پس سلام بجزمت او خالی کرده
 بود و چند نفر از نسیم ولایتی های خود بولایت انگلیس آورده
 و یک اسب عربی بسیار خوب بجهت سواری خود همراه
 مشارالیه حال سن شانزده ساله است بلند قد و با یک
 خوشتر اندام است و نسبت بسیار اهل هندوستان چند
 سیاه نیت چه شتر قدری کشیده و دراز است و در
 و گفتگو بسیار معقول و مریوط و بقانون نجیب و سلاطین کمال
 و قار و طاعت دارد در کشتی که بود شطرنج بازی میکرد
 و بازی شطرنج را خوب میداند زبان انگلیس را خوب
 حکم میکند و در دین عیسویت از مذمت پرستند این
 و منظور سس از آمدن بولایت انگلیس این است که چند
 وقت در آنجا توقف کند که معرفت تمام در زبان و قافله

و قانون آنولایت بهم رساند

اهل شهرهای کنار رودخانه رین بجهت حرمت بولایت
 پرستیده و روزه او کتابچه که ششاد شکل نقاشی خوب
 در آن است که بار کلهای آبی کشیده اند پیشکش کرده اند
 و در آنجا این کمال همه کارهاست و ان قابل است و چهار هزار
 قیمت کرده اند

در فرانس و هند و ولایت انگلیس آن مست شمال
 فرنگستان در روزنامه های سوال نوشته اند که مسو
 در آنجا بسیار کم یاب بود و سرمای سخت مستان گذشت
 بسیار کاز درختهای میوه دار آنجا رانده و ضایع کرده بود
 و امسال بارند او اند که در بعضی جاها که روی درختها
 پوشانده و از سرما محافظت کرده بودند آن درختها

خوب داده اند

۱۲۲۵

موافق حساب کرد که خانۀ ولایت نخلیس دولت مستاد
 و وزیر خردارقت و کتان در کمال از ولایات خارج
 بولایت نخلیس آورده اند و اینهمه بجهت کارخانهای دولت
 نخلیس است و این غیر از وقت و کتانی است که از خود دولت
 نخلیس بر می آید و قیمت این کتان وقت که از خارج
 بولایت نخلیس آورده اند چهل کرد بیشتر است که اکثرش را
 بول نقد از ولایت نخلیس بجهت اعیان آنها بخرید فرستاده

پادشاه ناپولی اذن داده است که در ولایت ناپولی
 عمارتی از بلور ساخته عمارت بلور لندن سازند و اشخاصی که
 این عمارت را می سازند از خواه خودشان بجهت
 جوازند که از مردمی که با بنجای بجهت تماشای آیند از هر یک
 مبلغی معین بگیرند و میان عمارت مزبور را باغ مستطالی
 می سازند

در روزنامه فرانس نوشته اند که دولت فرانس صاحب
 عهد سس از فرانس بولایت نخلیس فرستاده اند که تمام
 کارخانهای ساختن چرخ بنجای بجهت کشتی بسیار بسیار
 کشتی را نمود و ملاحظه کنند بلکه چیزی از آنجا نیاورد بگردند
 که بکارشان بخورد

در یکی از بلوکات مملکت نخلیس معدن طلا و نقره در آورده اند
 که صنعت جزئی بجهت دیوان میکند در هر یک جزو استنک
 معدن یکجا که نقره و طلا در متعال طلا بیرون می آید

در چهارم سؤال در مملکت ناپولی لرزه اتفاق افتاده و
 نوشته اند که خرابی زیاد کرده باشد

در مملکت پورتو قال کرختین را از کشتیهای که از نخلیس
 و اسکاتلندی آمدند برداشته بودند اما کشتیهای که از
 مملکت ایرلند به پورتو قال می آمدند باز در کرختین نگاه
 میدارند بجهت اینکه کمی ازین ناخوشی باز در مملکت ایرلند
 باقی است

اعلامات

کتابهای چاپی دارالمخلافه طهران که در کارخانه جامع المحدث
 باسبب در مملکت نزدیک دروازه دولاب الطباع شده اند
 فروخته میشود

- ۱۰۰ — خم نظامی دو تومان و چهار
- ۱۰۰ — سرپر دو تومان
- ۱۰۰ — زبده المعارف دو تومان
- ۱۰۰ — مدراج السعاده یک تومان
- ۱۰۰ — حدیقه الشبهه هشت هزار
- ۱۰۰ — شرح کبیر دو جلد شش تومان
- ۱۰۰ — شرح لعه یک جلد سه تومان
- ۱۰۰ — نصیح پانزده هزار
- ۱۰۰ — شامه چهار تومان و نیم

۱۲۲۶

روزنامه فایح انفا و تباخ پوخم شبیه خرم ماه محرم مطابق سال ۱۲۲۷

نمره صد و نه و یک
قیمت روزنامه
یکه نسخه شاه هر یک
هفتاد و چهار مرتبه



منطبعه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الاجه سطر یک هزار دینار
بیشتر بهر سطر بیست

اخبار و اندک محروم و...

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی که چند روز در عمارت و او در
شرف داشتند در روز چهارشنبه عجم ماه و در
غیبت دارالخلافه مبارکه نمودند چاکران دیوانی عمارت
سلطانی را بجهت ورود موکب هایون زینت و آرایش
داوه و چمنین کوچه و بازارها و جانا بند محل عبور موکب
غیر و زمی کوکب بود آرایش داده و عموم انالی دار
مبارکه بجهت زیارت وجود فایض الجود بیرون آمده در
بیرون شهر و در داخل شهر سه بار از دعای تمام نمودند
و از آنجا که موکب هایون حرکت فرمودند همه جان نظام
حضرت فرجام از توپچی و سرباز و زنبور کچی فوج فوج
دسته دسته در دو طرف راه صف کشیده و در
زنبورک بکرات بقاعده معموله گردیده سواره نظام و
افواج فاعره در کمال آراستگی بشکوه بنظر مبارک
رسیدند و موکب هایون از دروازه شمیران
شهر گردیده چاکران در بارهایون از اعالی و ادب

بزیارت وجود فایض الجود شرفیاب شده تقدیم
و تانی ویشکش مای انداز نمودند و نزدیک بعصر
اعلیحضرت پادشاهی بعمارت مبارکه ازل سلفا
شرف فرما شده در عمارت بزرگ سلطانی
تحت مرمر تزل اجلال فرموده سلام عام اتفاق
چون این ایام ایام عاشورا است و امنای دولت علیه
و مقربان حضرت کردند بلبست سینه و عموم خلق طوبی
تعبیه داری جناب سید الشهدا صلوات الله علیه
علیه مشغول اند انداعلیحضرت پادشاهی درین روز
کل امنای و اعیان عجم نوکر بابت از نظام و غیر
نظام مرخص فرمودند که در کجا یاد جاناتی که مجلس تعبیه
داری بر پا شود و بلوازم تعبیه اقدام نمایند و کجا
دولتی و تخایای سایر خلق را بطریق معمول ترتیب دادند
عموم خلق مشغول تعبیه داری و حصول دعا کوفی ذات

۱۲۲۷

قدس ما یون شینا و دیرین ده سوزه افواج قاهره نظام نیز
حب الامرهای آن ایش شفاف اند

نظر بلا حقه حقوق خدمات مرحوم مهدیخان و مراتب مستحق
و قابلیت عالیجا به نتیجه انخوان حاجی آقاخان ولد مرحوم
این روز نامتصب که توالی و قلعه سبکی کری دار سلطنت
تبریز را بعد از اقرار فرمان مبارک تحویل و تسلیم دولت
تومان از مواجب مرحوم مزبور برسم انعام مستمری بموجب
سابق عالیجا به مشارالیه افزوده و دولت تومان رسم
در باره و در تقریر ادش حبیب الدخان و مهدیخان
برقرار و محبت فرمودند و امر سررستی محله ارامنه دار
تبریز و امورات باغ شمال و خلفت پستان نیز که حاصل
بود ان اعلی است کما فی السابق بعد عالیجا به مشارالیه
محوال شد و بر طبق مناصب مزبوره فرمان قضایان
هایون صادر گردید

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در ضمن روزنامه اصفهان نوشته
بودند عالیجا به چرخش لیخان نایب الحکومه آنجا در رفع
بی اعتدالی و تقاضات قطاع الطریق و نظم طرق و
حکال استقام دارد و از هر کس بسبب ندرت مالی در
عمرض راه و غیره سرقت شود اوقات خود را صرف
استرداد آن می کنند از جمله از قراریکه نوشته بودند
از امانی فارس یکبار قطع باصفهان می آورده است
در خارج و در وازه الاغ آن شخص با بارش منقود شده
بود مراتب را عالیجا به مشارالیه عالی نموده استقام کرده
مال آن شخص را بعینها پدید آورده و در کرده بود همچنین

اموالی از چند نفر دیگر سرقت شده بود عالیجا به مشارالیه
در مقام تقص و جستجو برآمده رمضان نام مشهور کباب
که از الواد بوده است گرفته و او بالآخره اموال را برود
داده عالیجا به مشارالیه بعضی را بعینها گرفته و رعایت
چهل ستون تسلیم صاحبان کرده و خود رمضان
نام را حبس کرده که بعد از استرداد بقیه اموال مردم
از او حکم او بشود

حراسان

از قراریکه در ضمن تخریرات در روزنامه حراسان نوشته
بودند بعد از آنکه قلع کلات مفتوح و تسخیر شده بود
شاهزاده و ابار فریدون میرزا فرمانفرمای گلک حراسان
خود بکلمات تشریف برده امر آنجا را نظم کامل داده اند
و بعد ضرورت از افواج حمله و فرائی در آنجا گذاشته
طوری نظم داده اند که ساحلوی که از دولت در آنجا
هستند با کمال نظم رفتار نمایند و اصلا خلاف قاعده
از آنجا نسبت با هیچ واقع نشود و از جانب اولیای دولت
علیه اسم بنوآب معزی الیه حکم و مقرر شد که سبورت ذکر
ساحل آنجا را درست بانها برسانند که همیشه از وقت پنجشنبه
حضور در آنجا حاضر و آماده باشند و بجهت آذوقه و
سیریات تنگی نکنند و با کمال نظم و قاعده رفتار
کنند و ازین جهت امیدواری کامل از انکساف
اهلیای دولت علیه برای امانی کلمات حاصل
شده است و قدر اطاعت و انقیاد و خدمتگذاری
این دولت قومی کنت علیه را دانسته و بشکر از او
اقدام دارند

۱۳۳۸

کرمان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات قافله از خراسان و شیراز و یزد وارد کرمان گردید و در این وقت طرفین و شوارع رضامندی تمام داشتند و هم درین وقت بعد از یک روز و پانصد نفر زوار با جمعیت کرده بودند که بار اقدس روانه شود امیر الامراء العظام محمد حسن خان سیردان حکم آن یزد و کرمان سجاجی محمد بیک سر کرده تفکیک شیخی قدس نموده که با اسلحه تمام از بلوک را و آنجا جمعیت باقیه زوار نیز از اطراف و بلوکات که جمع شدند آنها محاربت نموده و از منازل خطرناک بگذرانند

و همچنین روزهای دیرترین اوقات بغیرم ریاست عیبات عالیات نوشته اند که از کرمان جاسع شده راه اصفهان عازم شده اند که با جمعیت روزاری که از آنجا فراموشی اید روانه مقصد شوند

دیگر نوشته بودند که چون بیچ و باره کرمان تعمیری لازم است امیر الامراء العظام سردار چند نفر را بخصوص مامور کرده و متوجه داده اند که اسباب تعمیری که لازم دارد

و هم چنین قلعه ارکیم نیز درین سالها خرابی بسبب رسانده بود یکطرفه با بنجار و آنه نموده که خرابی ارکیم نیز در برابر او رکنه و بنا و عمارت مشغول تعمیر باشند از قراریکه نوشته اند درین روز مشغول تعمیر اشخاص داده و قریب تمام است

دیگر نوشته اند که در تابستان امسال هوای کرمان چند روزی بسیار گرم شده و بادهای گرم سخت وزیده است در آن وقت صیفی و استیسی رسانده

دیگر نوشته اند که نظر علیا خطه رفاه حال رعیت و حصول دعاگویی جهت ذات اقدس سبحان باریون از اول سال تا این مبارک رمضان امیر الامراء العظام سردار عالیار اند حواله ایات و یوانی معاف داشته و بعد از آن قدغن کردند که مبارکترین اول قسط خزان را تدارک نمایند و در کار حج اوری متوجه قسط میباشند و وجهی ازین بابت تا حال معصوب دو چار با آنجا و در آنجا یون دانستند

دیگر نوشته بودند که در باب وجه قسط حسند و قضا مبارک که بعد از ورود عالیشان ولی یک تفکدار قدغن کرده اند که تدارک نمایند و روز بروز بحیثه وصول رسیده که خیر حاج حاجی علی سبب حسند و قضا از وجه مزبور سال خزان

مناصب
احبار و اول خارجه
درین بجهت چارچند از فرنگستان سید و حاجی که متناهی این روزها داشته با یک ضرب هم خود اول نوشته شود

اکتالیس کاقد آنکه از زندان ۱۷۰ نفر بود و در روز مزبور پادشاه بشوینجا خوانین شریف آورده بر روی حکم آنی چنانچه کانون بیست است قرار گرفتند و پرسن البرط و امنای دولت بیکه مقام خود نزد یک تخت قرار گرفتند و شاه و کلای عابرا بخصوص خوانین نیز در این اوقات در میان حاضر بودند پادشاه فریاد کرد که چون کاعده که اسال باهل مشورتنه رجوع شده بود سیر تمام نموده اول هر دو مشورتنه که خوانین و ویکلایا اینها مخرج خوانینند تا ویکه انصاری شده در مشورتنه

اجلاس نادیر و صحن فریادت انهار کمال رضامندی از کار کرداری آنها نموده بودند که درین چند تا که در مشورتنه مشغول به بودن امروز بودند نهایت قنطارت و صفت غیرتمندی و کفایت را بجهل آورده اند

۱۲۲۹

فرانس

اعلیحضرت امپراطور فرانس بار و چه خودش در قصبه
 یازتر که چشمهای آب گرم مشهور است بودند و از آنجا
 بنا داشتند که بشهر بروند که یکی از شهرهای معتبر فرانس
 بودند و اهل برودت را کات ریا و بجهت ورود امپراطور
 میدیدند که آنچه لازم است و احترام است در ورود
 فرانس بجهن میاورند و بعد از رفتن بشهر بروند و پاریس
 پایتخت فرانس را محبت می کنند بجهت ۵ ماه او و
 آن ایام که سلطان به نی قصد است و بعد از مجامعینها
 رئیس اعیان فرانس امپراطور فرانس بار دوی سنت

و اسباب آنجا بعضی احراق و اتلاف در آمده بود خصوصاً
 پردمای نقاشی خوب که در سپانبول بهتر از آنها بوده است
 بعد از این چند روز جنگ سخت طرفین مانند اینکه از حوزری
 خسته شده و از جنگ تنگ آمده باشند دست از جنگ
 باز داشتند و لکن با عیان و سسته بسته بروی
 که ساخته بودند استیادگی کرده بلکه سکر را سخت تر
 و استحکامش را بیشتر میکردند تا اینکه پادشاه سپانبول
 نام را خواسته و وزارت را با او تفویض نمود و وزارت
 دیگر که هم شور و رسم مصلحت او بودند وزارت امور
 دیوانی برقرار شد تا وقت پایتخت و ولایت آرام

خواهد رفت

سایر حاکم فرنگستان

تفکات اسپانبول که درین ایام اعتشاش تمام شد
 موافق خبر آخر که از آنجا آمد قدری آرام گرفته بود و لکن جنگ
 سخت در پایتخت مدیده شده بود و در یکطرف با عیان
 بودند و بعضی از قشون که طرف با عیان را گرفته بودند
 در طرف دیگر غایب و بعضی از صاحب منصبان و جنرالها
 و در هر جای شهر پایتخت سیه بندی کرده بودند و بعد
 پانصد سکر در کوچهها ساخته بودند و جنگ سخت آنها
 پایتخت بنا بر ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ ماه سوال اتفاق
 افتاد بود و در اکثر جایها با عیان غالب آمدند حتی میان
 جبهه خانه و مدرسه عربیه ریخته و سلاح جنگ از آنجا
 بیرون آورده بودند و عمارت سلطانی را تاخت کرده
 عمارت و وزارت را نیز تاخت نموده بودند یکی از عمارت
 هم که در میانش اثاث البیت گرانها داشت آتش زدند و

موسسین دولت سپانبول بود و بعد از آنکه
 اسم موسوم و معتم اسپانبول بود و بعد از آنکه
 یا در فرنگستان دولت سنیکی دنیا معتم لندن در پاریس
 مسورت نماید
 در یکی از روزهای فرانس که لایا طریقا نوشته اند که درین فرانس
 و سایر دول فرنگستان که در سمت خط است و با این سنیکی دنیای جنوبی
 ملک و آستانه باشند هرگز از این مطلب نمیشوند که دولت سنیکی دنیای شمالی
 تصرف جزیره گوینا با سبب اینکه جزایر که حکم آن سمت که در حیطه
 دول فرنگستان است جایهای خاص خیر و منفعت است و اگر بنا
 باشد با که هر کس در آن صفحات زورش بشیر با باید ازین جزایر
 بسوی دیگر از پادشاهان که در آنجا ملک دارند خارج حسی برای
 آنها در باب آن املاک نمی مانده و اگر هم دولت اسپانبول نخواهد رضایت
 خود دست از جزیره گوینا بکشد و دولت پادشاهان که در آن سمتها جزیره با
 دارند نمیتوانند زیرا که قانون دول در مملکت داری این است

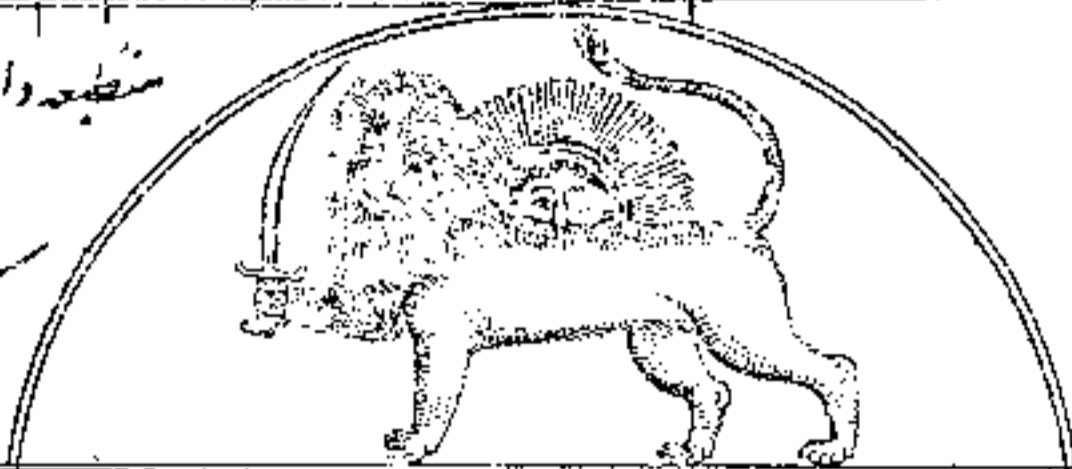
روزنامه قایم الخاویز پنجشنبه وازدهم محرم الحرام سال ۱۳۳۱

نمده صد و نود و دو

قیمت روزنامه

یک سکه و شش کمانه

در تهران و چهار هزار



منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر از چهار سطر یک کمانه

بیشتر با هر سطر یک کمانه

اخبار و احداثیه های پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون درین اوقات ایام طهارت و بقر معمول
 هر سال جمیع تکایای ارک و شهر دارالخلافه طهران را
 بجهت تعزیه واری بسته اند از جمله مکه و ولئی ارک را
 امسال برب حکم جناب جلالت آباء امجد شرف قلم
 صدراعظم بسیار خوب و بهتر از سالهای دیگر بسته اند
 و بحسب زینت از سالها و پردای کر اینها و ملورالای
 چراغان فراوان کمال زینت داده اند و این
 اقدس بنا یون پادشاهی هم همه روزه بکلیه پرورده
 و وقت تعزیه تشریف فرما گردیده چون اسباب
 چراغانی فراوان در صفا و طاق ناها از قنادیل و کلبه
 و لاله و در دکنی و غیره اند و شبها چراغانی خوب
 و ممتاز میشود و اعلیحضرت پادشاهی شب تا سو عارایم
 تشریف فرمای مکه فرورده گردیده و هم را در منزل
 جناب محبت هم صرف فرمودند

بمیزان جناب نظام الملک تشریف برده بنابر
 ده آنجا صرف فرمودند و تا عصر اورا آنجا تشریف
 و بعد از آن بکبه و ولئی تشریف آورده بعد از ظهر
 آنجا بپارسی که سلطانیه معناه و تشریف فرمودند

سایر ولایات

اصفهان چندی قبل ازین در منزل مورچه خورت
 که متعلق بسجاک اصفهانست قافله را در روز و مستحقین
 در عرض راه که عالیجاه چراغعلینخان نایب الحکومه اصفهان
 مشخص کرده و کذا شده بود و مجر شده متعاقب و زد و
 معلوم کرده بودند که سارقین از بختیار بهای ساکنین
 بوده اند عالیجاه چراغعلینخان را اجبار کرده بودند تا
 عالیجاه آبا زخان یوزباشی را با چند نفر غلام مأمور کرده
 رفته چهار نفر از سارقین را بدست آورده بودند و اکثر
 اموالی که از آن قافله دزد و برده بود و بعضی از آن سارقین
 گرفته تحویل صاحبان مال کرده و خود سارقین را بر
 امر او لبای دولت قاهره روانه دارالخلافه نمودند
 که در دربار با یون حسب اشاره العلیه بفرمای خود

۱۳۳۱

و نیز از دربارهای آن حکم صادر و محصل مامور گردید که
رفته بقیه مال تجارت را هم که سابقین به بکران دادند
گرفته رد نماید

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند سبب گرمی
هوای بندر عباس خراولان و ستخفین آنجا تاب نیامد
عظمت از خراست آنجا کرده بودند و سید یونسی پسر امام
سقط با جماعت اعراب اتفاق کرده علی القله به بندر
رفته آنجا را تصرف کرده بودند چون بندر عباس نسبت
کرمان قریب جوار دارد بعد از آنکه این خبر با پیر الامیر

محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان رسید فوراً
مقرب الخاقان عبدالقدخان پسر پنج پسر خود را که تدارک
دید بود برای عروسی روانه دربارهای آن نماید همین نمود
با چند نفر قشون از سرباز و سواره و پیاده و چند عراد
و قورخانه و اسلحه و مأمور روانه بندر عباس نمود
و چون در بندر عباس بجهت شکستگی کمریات فارس
غلبه نمود امیر الامیر العظام مشارالیه مقدار دو هزار خرو
غله بهمراهی مقرب الخاقان عبدالقدخان و آن قشون روانه
روان کرده و هزار خرو و اسب و ستاد در محال رود با

که متصل به بندر عباس است اعتباراً برای سیوریات
قشون مآده و حاضر نمایند

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند فرج محمدی علی
رستم خان و مشق اهنکاهی تمام دارند و همه روز در میدان
دربارک مشغول مشغول و جمعی از پسران نیز مختصراً
در میدان توپخانه همه روز مشغول می کنند و بسیار نظم و با

قاعد و معقولیت با مالی آنجا سلوک دارند و از اینها مالی
که امیر الامیر العظام محمد حسن خان سردار در نظام امیر
انها دارد قدرت اینکه خلاف حسابی از عموم اهل نظام آنجا
صادر بشود یا احدی از آنها بکسی نقدی نماید ندارند و هم
امر قورخانه آنجا بسیار منبسط دارند و حسب حکم امیر الامیر
سردار همه روز مشغول سخن کلان توپ و سایر لوازمات
و خانیه هستند

و بکر از وقایع اتفاقه در ضمن روزنامه این ولایت نوشته
که محمد نامی از بقالان شهر که در میدان کجلی خانی بیاطمی
زند بوری اورا گرفته بود و بعضی گردن زبور قورخانه

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته شده بود
بجناب احمد وفق افندی سفیر کبیر دولت عثمانی که از راه
کرمانشاهان عازم و روانه دولت خود بودند و از استیضای
شاهزاده و الا جبار عباد الدوله امامعلی میر حکمران کرمان
از رعایت شرایط احترام نظر بر رسوم و داد و ولین
و فرود گذار کرده اند

دیگر نوشته بودند زوآر زیادی در کرمانشاهان جمع شده
می شوند و توأب مستطاب شاهزاده امامعلی میرزا بر حسب
حکم و قرار داد اولیای دولت علیه قدغن کرده اند که در
بی نظم و مشرق و جدا جدا نروند بلکه همیشه پانصد نفر
کتر یا بیشتر با اجتماع و اتفاق برهند و هیچوقت
کتر از صد نفر نباشند و زوآر نیز همین نظم و قاعده را
معمول میدانند

۱۲۳۲

اخبار دول خارج

انگلستان ازین ولایت درین مهله اخباری که مناسب
باین روزنامه باشد نوشته خواهد بود

فرانس

از مرسبل تاریخ ۵ ذی قعدة نوشته اند که ناخوشی و باده
شدت داشت در آن اوقات تخفیف کمی یافته بود بطوریکه
بصفت آنچه در آلام شدت تلف می شد رسید

ایتالیایا

در روزنامه این ولایت نوشته اند در باب اعتشاش
خزنی که در پارمه شده بود قشون دولت بیرون آمده
و تائیر اعتشاش افزون شده بود و لیکن
که سبب اعتشاش چه بوده و محرک اشوب بنوع معلوم

نیت کیت

سویس

در روزنامه مملکت سویس نوشته اند که گفتگویی که
این دولت با دولت اسپرته بود درین روزها باطل
گشته است و دولت اسپرته بنا دارد قشونی که در

سرحدات داشته بروداند

عجمانیست

در روزنامه اصمیر نوشته اند که عید امیر الطور فرانس را
در اینجا با کمال اساس گرفته بود و قشون جنرال
دولت مقیم اصمیر و همه صاحبان و کل اهل فرانس که
در اینجا بودند اول کلیسای و شکرانه و عبادتی که درین
مقدار است بصل آورده و در فرودگشی جنگی که یکی از
استوری و یکی از دولت نالند دردی شهر اصمیر

انچه نوشته بودند سحرمت عید امیر الطور فرانس
خالی کردند و از خصار و شکر و در شهر نیز همه
عید بر نور شیلک توپ نمودند و کل قشونهای دول
خارج مقیم اصمیر از منازل خود بیرون دولت خود را
بلا کشیدند

و بگردنشان اند که کمال افتدنی درین روزها از جانب
اعلی حضرت سلطان مأمور بر لاین پای تخت پرستیده
که در اینجا بصب ایچی مخصوص و وزیر مختار از جانب
عقائب مقیم بر لاین با و در تاریخ ۱۴ ذی قعدة
وارد اصمیر شد که از اخبار و احوال مقصد شود ایچی فرود آمد

و انان قایل بسیار با دکاوت و فطانت و صاحب
کفایت در بار سلطنت چند سال پیش ازین
در مملکت ایران مشرف بود و بعد از ان همیشه
عمده از دولت خود مأمور مشغول بود تا درین اوقات
رشته او را ترقی داده بر سیم اعلا ای ایچی گری مخصوص
و وزیر مختاری رسیده و سر امیر را لیه درین
موسسه استیاری بصب شیری سفارت و پروا
خیانت اول با و در جنس و کلمه روزانه

و بگردن روزنامه اصمیر نوشته اند که مرده یک سالیست
غریب و جور پیدا شده اند در آن اوقات سه نفر
که یکی چا پار بود و برایم اقا نام و یک نفر از اهل بونان
نیز با یک هم راه بود و در دست در آن اوقات
و در آن اخبار برهنه کرده بودند و پولی که سر
داشتند همه را برده بود و بعد از ان بر اصمیر
با ان سخن بانی رفته کرده و جهود را نگاه داشته بودند

۱۲۳۳

و پیغام با توام او فرستاده بودند که میت و پنجره از خود
 که تحت نامان صد تومان بحساب پول ایران میبود بجهت
 او بنزد آنها روانه نمایند که او را را بکنند چون او را
 او بی بصاعت بود مشکل بود که سخاوته فریور را بجا نماند
 تارک نمایند و نوزده آن هم قرار گذاشته بودند که
 اگر سخاوته در وعده محقق نرسد آن جو در اکتفا

از اوردن ملک عباسیه نوشته اند که تجارت در اینجا
 بسیار بود مردمی که ابریشم داشتند میخواستند نگاهدارند
 که قیمت کران بفرود شد و گن درین روزها قدری
 فروخته بودند از فرار هر چه صد مشتاد و فروش و عطر کل
 سرخ را نیز هرگز نگریزان که وزنی معین است بیازده
 فروش دو اردو فروش خسته بود

از واره نوشته اند که ناخوشی و بارانجا شدت
 بطوریکه روزی ششاد تقارین ناخوشی میبردند و
 اکثر سابر شهرهای آن اطراف نیز کم و بیش این
 ناخوشی بروز داشت

پسکی و نیای شمالی

موافق کافه آخر که ازین ولایت آمد معلوم است که حاصل
 حاصل قله آنجا بسیار زیاد است و در اندک
 غله در آنجا آقدر زیاده میشود که اگر لازم باشد
 بفرستد اما تجارت در فرنگستان گمان ندارد که بعد از
 در و در رفع محصول غله در آنجا آقدر گران باشد که محتاج
 بود و در غله اینک دنیا باشند
احوال است

از مونیج پای تحت مملکت بواریه که یکی از ممالک
 میباشد نوشته اند که حکمران مملکت ششانیته کالک سوار
 شده بود و سیاحت میکرد ناگاه در جن حرکت کالک
 او افتاده و مشارالیه خودش نیز دست و پای آب
 غلطیده و آب از روی او گذشته بضرر که آب
 پلاک گردید

از مملکت پیرو نیکی و نیای شمالی نوشته اند که کشتی در اینجا
 شده و بسیاری از مردم در میان آن تلف گردیدند و نیز
 قشون آن ولایت در میان کشتی بود و کشتی فریور را بکشتی بخار
 که در جلو او بود بسته بودند که مانند یک می کشید ناگاه
 طغاب او که بکشتی بخار بسته شده بود کینه کشتی
 بسنگ خورده فرو رفت بسبب آنکه آب در اینجا
 جاری بود و قصد وسی و یک نفر در آنجا غرق شدند
 سه کشتی فریور با اینکه راه گرفتار بود و در
 جان خود را در برید از راه غیرت کمر نجات و دوری تا
 که شاید به بیری در باب خلاصی اهل کشتی نماند خوش

هم غرق گردید
 در روزنامه صمیمی نوشته اند که خبر از گنجان مملکت چنین آمد، بود که تار
 آن ماه رمضان بود قیمت تریاک را که تجارت غده آنجا است تا
 نوشته اند تریاک مملکت عباسیه هر سیکول چهار صد و الاز تریاک نه سال
 پخته سیصد و هشت و هفت و الاز مال بنارس سیصد و
 و الاز مال طوا سیصد و پنجاه و الاز هر الازری در آنجا

چهار اردو یا صد و بیست حساب پول ایران میشود و سیکول
 وزن آنجا است که بوزن ایران شصت و نوبت من بسنگ
 است عباسی میباشد

۱۲۳۴

روزنامه قایم القایه و صحیفه یوم شنبه دوازدهم ماه محرم الحرام مطابق سال باسنه ۱۳۳۵

منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر ایام چهارشنبه یکروز
بسیار با هر خط



بهره صد و نود و سه
قیمت روزنامه
یک سخته و چهار یکساله
در تان و چهار هزار

اخبار و احداث ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه گذشته که دوازدهم ماه محرم بود ^{علیحدیث} پادشاهی عزیمت زیارت جناب امامزاده و اجلی ^{تختیم} شاهزاده عبد العظیم فرموده جناب امجد اشرف اعظم صدر اعظم نیز در موکب هایون بودند بعد از زیارت بقعه مبارکه در مراجعت بیابغ دولت آباد تشریف فرما گردیدند و در آنجا صرف فرمودند و حوالی عصر بارک مبارک سلطانی و مقر سلطنت عظمی مراجعت فرمودند

و هم چنین در روز دوشنبه گذشته نیز موکب هایون ^{تشریف} فرمای تفرج و تماشای اطراف دارالخلافه شده نزدیک عزوب آفتاب بشارت مبارک سلطانی معاودت فرمودند

از جمله اعمالیه مشهوره که عالیجاه حکیم پولاک ^{در} در ۲۰ خرداد ^{مخبر} نموده این است که شخصی از اهالی توپخانه مبارک که ساطور ^{مخبر} عصایی بر پشت پایش خورده و شربان آن موضع را زخم نموده مدتی معالجات لازم حتی واع نموده ولی خون از جریان باز نایستاد تا اینکه معلم مزبور پنج شش مقرب ^{مخبر} میرپنج توپخانه مبارک که مجاری رفته بیم آن بود که از زیاده ^{مخبر}

خون شخص مجروح فوت بشود شربان فخذ را سه انگشت ^{مخبر} تحت آریه منگنه کرده شد و در این مزبور حال شفا یافته است و این عمل به پاس سعادت دو بار در ایران ^{مخبر} اول بواسطه مقرب انخافان حکیم کلکو که حکیم باشی و دوم بواسطه عالیجاه معلم پولاک

ایضا معالجه مرض جذام که در کمال اشکال بلکه محال است ^{مخبر} در این اوقات دختری باین مرض مبتلا شده بود و بدست دارالفنون آوردند حکیم پولاک معالجه کرده و ^{مخبر} یافته قریب شفا یافته است

چون در ویرایام دهه عاشورا عموم لوگر با حبس ^{مخبر} هایون بجهت تخریب واری جناب اباعبدالله حسین از ^{مخبر} خدمت در بارهایون جناب و در روزنامه گذشته ^{مخبر} شده معاف و مرضی بودند بعد از انقضای ایام عاشورا ^{مخبر} هر یک از لوگر باب در خدمت خود اقدام دارد از جمله ^{مخبر} افواج قاهره از سواره نظام و توپچی و سرباز همه ^{مخبر} مشغول باشند

چون عالیجاه میرزا فتح الله لشکر نویس مراتب صداقت ^{مخبر}

۱۲۳۵

خود را مشهور خاطر اعلی حضرت پادشاهی و امنای دولت
داشتند درین اوقات کتب جبهه بر رسم خلعت
شاریه حضرت کردید

چون منظور امنای دولت علیه این است که امور چا پارخانه
مالک محرم و خوب منتظم باشد لهذا اعلام میشود که از دارالخلافه
طهران هر کس امانتی بجائی بخواد ببرد بجزد عالیجاه امیرخان
چا پارچی باشی یا عالیجاه میرزا سید حسین مباشر چا پارخانه
داده نوشته بکشد و جواب آنرا موافق نوشته از آنها بخواد
و همچنین از سایر ولایات محروسه نیز هر کس امانتی بجائی بخواد
روانه نماید نایب چا پارمقیم در هر ولایتی سوائی چا پارمقام
و متروست بهمان نایب چا پارمقیم انولایت سپرده نوشته
بکشد و موافق نوشته از او مطالبه جواب نماید سابقا بعضی از مردم
بخود چا پار امانت میدادند ولی نظمی در وصول و حصول
کامی اتفاق می افتاد ازین جهت اعلام میشود که بعد ازین صاحبان
امانات بخود مقرر معمول دارند و همچنین کاتب و نوشتجات را
نیز بخود اشخاص مقرر کرده داده از آنها جواب بخواد

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته
بودند قورخانه که از دارالخلافه بخارس فرستاده شده بود
با اصفهان وارد شده همان روز عالیجاه چراغعلیخان
تفکیکی دست عالیجاه محسن خان را با چند نفر اعلام
کرده است که از خاک اصفهان بگذرانند و بانها سفارش
کرد لغت که هرگاه ضرورت بخارس هم برود و قورخانه
صحیحاً و سالمآ بخارس برسانند و مراجعت نمایند

خراسان

از قراریکه در ضمن روزنامه خراسان نوشته بود
انکه نواب مستطاب شاهزاده والا تبار فریدون میرزا خراسانی

ملک خراسان با جمیع توپخانه و استعداد تمام طرف
حسین شریف برود انداز اراض خان و خوشنود خان و زمین
وصوفی خرد سایر رؤسا و رئیس میدان سرخس
نواب معزی الیه آمده و عرضشان این بوده است که ما مادام
بسیستم آفتاب و شمس و طایفه ما و وارده تیره است
تیره هزار خانوار هرگاه با لغات اولیای دولت علیه
داشته باشیم همگی از روی کمال صداقت خدمت کنیم
نواب معزی الیه هم آنها را با لغات اولیای دولت علیه
امیدوار ساخته قرار داده اند که از هر تیره دو وارده خانوار
اگر روی معتبر بشود روزانه یک کاهه در آنجا باشند و خدمت
از سوار ترکانان حسن دانات در مشهد در خدمت نواب
معزی الیه بود مشغول نشکنداری باشند همچنین قرار
کرده است انکه آنچه کسیر در سرخس موجود دارند همه را
روانی داده روانه نمایند بیایند آنچه از اسب بخارس
خرید و فروش کرده اند سرخس بول بدید و بجز و در آنکه
و دیگر بعد ازین اسیر بزنند و خرید و فروش نکنند و اگر
ماخت و تازی هم بشود از عهد بر آیند و مال بخارس
در نهایت اطمینان و خاطر سمعی بخارس برود و میباید
و اگر عیب و نقیصی حاصل شود از عهد عرامت آن ترکانان
حسین بر آیند و اگر از جانب طایفه دیگری حاجتی
انها بعد از امکان دفع نمایند و مشغول حفظ و حراست
بعد از آنکه طایفه مقرر شده باین شرایط رضی شدند نواب
معزی الیه نیز قرار داده اند که کوه سفید و شتر مال ترکانان

۱۲۳۶

بریک از ولایات متعلقه سمرقند بود حکام آنجا متفرق
نشوند بلکه مثل اموال سایر ممالک محافظت نمایند که عیب
و نقص کند مراتب را خدمت نواب شاهزاده عرض نمایند
تا حکم صادر نمایند حاکم آن ولایت از عده برآید با محکمترگان
سرخس قدر خدمتگذاری دولت قاهره را داشته باشد
از در اطاعت و انقیاد و آورده اند که بعد از این حدیث

از فرار یک در ضمن روزنامه نوشته بودند مقرب انجان خان
وزیر نظام در مقام محو که بخود کمال اهتمام دارند و
همه روزه فرارشان این است عصر می آیند بعضی مبارک
قریب سه ساعت در آنجا کشت می نمایند و بعضی واحوال
وضعا و مردم رسیدگی می نمایند و مراقب نظم امور رعایا
هستند و اگر بجای بی حسابی شده باشد مجرد استحضار مقام
رفع آن بر می آیند
یزد و کرمان

از فرار یک در روزنامه یزد نوشته بودند امر آنجا کمال
نظم دارد و عالیجاه محمد یوسف خان نایب حکومت یزد در
انتظام و انضباط امر ولایت نهایت مراقبت و اهتمام
دارد و عالیجاه میرزا کوچک خان سرمنگ در رساندن
مواجب سر بازان متوقفین یزد و اتهام زیاد دارد و در
حوزه نایب حکومت یزد و مواجب سر بازه اوه عیود و در
امر افواج آنجا همیشه کمال مراقبت و اهتمام را دارد

از فرار یک در روزنامه کرمان نوشته بودند امیرالامرا
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در رواج کارخانه
شال بافی کرمان کمال اهتمام را داده اند که همیشه شالهای

سیار خوب از کارخانه های آنجا بصر آمده از کارخانه بیرون
بیاید و مخصوصاً این روزها تا آخر آه فرار دادند که باستان
سال یافتند که در کارخانه های آنجا متفرق شده

شما و ند

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند جمشید خان
وزیر سواری تفنگ لیبوی خود صادق خان خالی کرده و او را
مقتول نموده و در صادق خان که مسمره بوده است خود
لبغش لیبو خود انداخته جمشید خان فرود با حمال سبک
مقتول نشد با چیتاب دیگر خالی کرده و در صادق
زخمی شده جمشید خان فرار کرده و در رفته بود عالیجاه
مقرب انجان خان محمد حسین خان نسبی باشی حاکم بنا و ند بعد
سوار خزل بقصر شارالیه فرستاده بعد از هفت روز
او را در میان افشار گرفته دست بسته آورده بودند
حکام شرع مطاع و امضای ورثه مقتول او را بقصاص
رسانده اند

دیگر نوشته اند که قلعه قزوین در نهادند که از غارت عالی است چون از
بی اعتدالی حکام سابق خرابی بهم رسانده بود مقرب انجان خان را
روزها آنجا را داده است تعمیر خوب کرده اند و بسیار با صفا

قزوین

از فرار یک در روزنامه قزوین نوشته اند نواب سیف الله میرزا
حکمران قزوین در انتظام امور آنجا استقامت کامل دارند و خبری
و کلی امور عیاب و احوال رسیدگی نموده اگر اجمالی نسبتی
باشند در مقام رفع آن بر می آیند

دیگر تعبیر اجناس ماکولات و غیره قزوین را که در روزنامه
آنجا نوشته بودند از این قرار است

۱۲۳۷

کندم اعلا کچھوار پانزدہ ہزار و پانصد	لوہیای قرمز یک من ہشت شاہی
کندم پت کچھوار دوازده ہزار	مغز کرد و یک من ہشت عبا
ارو کندم کچھوار ہفتہ ہزار و پانصد	مغز بادام یک من ستہ ہزار و پانصد
جو کچھوار یک تومان	انجیر یک من ہفتہ وینا
برنج اکولہ کچھوار ششش تومان و دو ریال	نان یک من یک عبا
برنج غبرلو کچھوار پنج تومان	دسایر حبوبات و میوجات نیز بہین قرار کمال و فوری داد
برنج رسی کچھوار چار تومان و نیم	اگرچہ نسبت بہالہای سابق اولایت امسال کندم وغیرہ قدری تسخیر و ترقی وارد و لکن ہمہ چیز ہی فراوانت
دغال کچھوار یک تومان	
روغن یک من دو ریال	
پنیر شور یک من بکھار و صد شاہ	
کرہ یک من دو ہزار و پنجاہی	
گاست یک من دو بت و شصت و پنجاہ	
قدرسی یک من چار ہزار و ہفتہ	
قدرسی یک من شش ہزار	
شکر سفید یک من چار ہزار	
بہیزم کچھوار پنجاہ	
پہ کداختہ یک من دو ہزار	
سجود یک من سیصد و ہفتاد و پنجاہ	
عدس ایضا	
ہاش ایضا	
شیرہ شد یک من دو عبا	
شیرہ سفید یک من سہ عبا	
کشش یک من پنجاہ و نیم	
خرما یک من پانزدہ شاہی	
سجود شیرزی یک من دو عبا	

اخبار دول خارجہ

انگلینس در روز نامہ این ولایت نوشتہ بود کہ چار نفر سیاح درین روزنا از مملکت استرالیا با آمدہ اند کہ چند وقت در معدن طلائی استرالیا ماندہ بودہ و یک طیان پوند پول انگلیس کہ تخمیناً چار کرو روپے است بیت و پنجاہ تومان پول ایران با از آنجا آوردہ بودہ

فرانسہ

در روز نامہ این ولایت نوشتہ اند کہ در ماہ شوال تابستان گذشتہ کرما در شہر پاریس کمال شدت رادہ و اگر دو ہفتہ اند ان پاریس از شہر بیرون رفتہ و لوکا بقرج و خوش گذرانی مشغول بودند

دیگر نوشتہ اند کہ امپراطور فرانسہ تدارک مید ندیکہ بارہ است غمخیز بودند و گویا در آن اردو اوضاع و احوال زیاد بر پامی کنند و لکن هنوز خبر تقصیل آن نیامدہ است و در میان مردم گفتگو بودہ است کہ پرنس البرٹ نیز شاہی اردوی فرانسہ خواهد آمد

در اکثر جا بہای مملکت فرانسہ حاصل قلعہ خوب بود و لکن

در تو کرده بودند که رسمت کرسیات و در ولایت
جزیره العرب حاصل فراوان بود بطوریکه در ملک و
از تسویش کمی و کرائی غله اسوده شده بود

دیگر در روزنامه فرانسه تعریف بسیار از صفای بیشه که
تزدیک بشهر پاریس است و در بین اوقات ختن دریا
و آبشار و قرار ما ترین داده اند منسوبند بیشه مزبور
مستی به بواده بلون و از ایام قدیم بهین هم موسوم است
و لکن درین روز که دریا چاه و آبر و آب و آب و تلخ کما
در اینجا ساخته اند بسیار بر صفای اینجا افزوده و جای
خیلی جنبه است ختن بیشه مزبور بحکم امیر بطور
و طرس نیز از اختراعات خود است اگر چه که در آن دریا
از آب رودخانه سین آبرایا و با طرف برو بطوریکه
تابستان اهل شهر پاریس قدیمی از آب تنگی کشیده اند تا
ورده می که دریا چهای مزبور برسد چون آب در اینجا
صرف نمی شود چنان تفاوتی در آب شهر نخواهد کرد

دیگر در نزدیکی شهر پاریس میدان بزرگی بجهت اسب دوانی
ترتیب میدادند و عمارات تقدیر کنجایش چهل هزار گرس
که در اوقات اسب دوانی در اینجا بجهت تماشای نشینند و
سایر جایهای میدان مزبور نیز جای سینه هزار نفر
که بتوانند خوب باسراحت تماشای اسب دوانی نمایند
و گام این میدان را چنین می کنند که سبز و خرم و با
باشد اهل شهر پاریس سابقا بجهت زینت و راستگی خود
چندان بایل نمودند که از شهر بیرون بروند اما این اوقات
که بیشه و میدان خارج شهر را با بیطوری ساخته و صفاداده
مردم زیاد از شهر بجهت گشت و تفریح با آنجا بیرون

در ماه ذی قعدة که ناخوشی و باد در شهر پاریس تخفیف
یافته و کم مانده بود که بالهه رنج بشود دوباره رو به

و بسیاری از مردم آنجا را تلف نموده است و در روز
ماه مزبور طوفان در عدد برق و بارندگی زیاد در شهر
و آن اطراف شده و تخفیف در ناخوشی بهم رسیده و از
نوشته اند در دانات آن اطراف ناخوشی نبود مگر در میان
اشخاصی که از شهر آنجا رفته بودند

اسپانیول

از فراری که از اسپانیول نوشته اند غله را در آنجا آرزو
کرده بودند و بسیار خوب فراوان آمده بود و بارها
پیدا مانست و ایتالیا و سیه نیز خبر رسیده بود که حاصل
نیز اسان غیب فراوان آمده است

ایطالی

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در شهر و نیز چهارصد
نصبت شش نفر مجوس دولتی بودند که همه بنای یاغیگر
و افساد بجهت دولت داشتند و فساد می که در ملک ایتالیا
شده است غیر از آنست که است که چند وقت پیش ازین
شهر پاریس روی داده بود و در ولایت رومه نیز خلق با
برخواستند بودند و لکن قوه آنرا نداشتند که با دولت جنگ
نمایند و در ناپولی نیز احتیاط و تسویش تمام داشتند که
اشوب رخ نماید طایفه از الواط و او با شش در آن ولایت
مستند که آنها را از رزونی میمانند که شهر برترین الواط
کل روی زمین پیا و هیچ کس از آن نیستی ندارند پادشاه از
خوف از اشخاصی که راضی پادشاهی او بودند اسباب

نبردست این الواط لرزونی داده بود که اگر اشخاص مزبور
 با دولت یا عسکری نمایند الواط بحکایت دولت با آنها
 نمایند مردم صاحب اعتبار ازین عمل توشیح زیاد کرده
 زیرا که سابقا نیز یک وقتی بسبب حاجت باین کرده
 لرزونی داده بودند خانهای مردم را ناخت و غارت
 کرده و تعذیبات و بیرحمی تمام نسبت با اهالی آنجا کرده بودند
 حال معلوم شده است که اعتدالش این اوقات تحریک
 مزینتی نامی است که چند سال است از آن ولایت اخراج شده
 و پناه بجاک انگلیس برده در شهر لندن ساکن است در روز
 فرانس نوشته اند که این معنی بر ظاهر است که یا عسکری و
 اقتداس در اسپانیا لیبب تحریک مزینی و سایر
 فرانسهاست که در لندن نوشته اند

پسکی و نیای شمالی

از فرآریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند عهد
 که مابین این دولت با دولت انگلیس بسته شده است
 شرط عهد نامه مزبور این است که بعضی از خاک ملک
 پسکی و نیای شمالی و اگر شود قدری از ولایت حالا
 موافق عهد نامه مال دولت پسکی و نیای شمالی شده است
 آبادی ندارد و لکن اهل دولت پسکی و نیای شمالی در
 املاک مزبور منفعت خود را ملاحظه کرده اند زیرا که مردمی
 ندارند که از آنجا آید در اندک مدت آباد خواهند کرد
 سبب آنجا از دولت انگلیس بخت پایان و الار که
 پول ایران تنهیشناسه کرد و رویم میشود خریده اند و خواه
 نقد باطلی بنگلیس مقیم و این تنه تحویل کرده اند امورات
 دولت انگلیس بسیار متعجبش و رو به منزل است از این

۱۲۴۰

از بعضی ولایات خود دست کشیده میفرستند و در
 پسکی و نیای شمالی روز بروز کارشان رو به ترقی است این
 املاک را میخرند و آباد کرده نفع خود را از آنجا بر میدارند
 کلی قازینا که انقدر طلا از آنجا حاصل شده اول همین طور
 بود و وقتی که اهل ملک آنجا را فرستند خبرند هستند که در آنجا
 معدن طلاست و اینقدر طلا از آنجا حاصل خواهد کرد

دیگر در همین روزنامه نوشته اند که در شهر باستان
 پسکی و نیای خوشی و با کمال شدت را داشت و در شهر
 آن اطراف نیز کم و بیش بود
 دیگر نوشته اند که در آن سسها اعتدالش در میان خلق
 بوده و باب منازعه دینی مابین دو طایفه از عیسوی که یکی
 کتولیک و دیگری پروتستان است این دو مذہب با هم
 جنگ می کردند و در بعضی جاها نظام بیرون آورده بود
 که جنگ آنها را موقوف بکنند در یک جانی پروتستان با کتولیک
 در زیر کلیسای کتولیکها ریخته و شش زده بودند بهوارفته و
 خراب شده بود و در دو شهر دیگر هم کلیسای کتولیکها را با
 شش زده بودند

دیگر نوشته اند که در شهر قلعه شش بیان خانها افتاد
 و بسیار ری ارتقا نهای شهر مزبور سوخته اند و میگویند که
 خانهای که سوخته است یک بیان و الار
 دیگر نوشته اند که درین اوقات و حجت چانی نزد یک
 سخنانی کاشته بودند و لکن هنوز معلوم نیست که چنان خواهد
 آمد یا نه
هندوستان

در کل مالک بندگان ارادی یافت بوده و در ملک
 برت نظام ضابطه بجهت راهها و نظام کار خلق برپا میگردند
 در پیاده و پنجاب ناخوشی بسیار بود و زلزله جزئی
 در آنجا شده بود در سیکنجا پور که یکی از جزایر بحر هند میباشد
 میان خلق برسنجور دگی شده بود و آنجا از اهل چین بسیاری
 هستند و عداوت یکی از طایفه آنجا داشتند و در میان
 شهر جنگ آنها اتفاق افتاده بود و بسیاری از ایشان کشته
 و زخمی شده بودند بعضی از دکا کین راهم تاراج کرده
 بودند و نظام در آورده آشوب را فرو نشاندند و مفسدین را
 گرفته خلق آرام شده بودند

دیگر درین روزها محصری در خصوص ساختن و تمام کردن
 نهر بزرگ در هندوستان ترجمه نوشته شده بود و درین
 روزها که تازه رسیده است تفصیل نهر بزرگ را با
 نوشته اند که خرج ساختن نهر بزرگ یک بلیان و پانصد
 سصد هزار پوند پول انگلیس که تخمیناً شش کروڑ و شصت
 پنجاه تومان پول ایران است شده است اگر چه دولت
 انگلیس اینقدر پول در آنجا خرج کرده اند و لکن منتفع زیاد
 ازین عمل خواهند بود بجهت اینکه اولایات که نهر بزرگ را
 میکند و جمیع زیاد دارد و شغل اهل اولایات نیز کلاً
 زراعت کاری است از قرار که نوشته اند اولایات
 رود گنگ و رود جمنه و وارده کرد و خلق دارد شهرها
 قصبه های زیاد در آنجا است تا بجهت نبودن راه کاسه سنج
 از خشکی یا کشتی از راه آب حمل و نقل آذوقه و بار شکل بود
 بعضی اوقات اهل اولایات تسکین می کشیدند و در سالهایی که در
 آنجا بارندگی نمی شد حاصلشان خشک می گردید و بعضی نمی

بسیار شد که قحط و غلای شدیدی روی میداد که بسیاری از آنها
 آنجا از کرسکی تلف می شدند حال که این نهر ساخته شده
 و خاصیت عمدتاً بجهت اهل آنجا دارد یکی آنکه حمل و نقل آذوقه
 در وقت ضرورت باسانی و کم خرجی و ارزانی در کمال سهولت
 میشود دیگر آنکه در وقت خشک سالی که زراعت بارانی آنجا
 از نهر بر میسر است و بهر جای اولایات آب برسد و زراعت
 طول این نهر دولت و پیش فرسخ است و بحد بندار و در
 ساخته اند که آب سیل و آب زیادی از او بیرون برود و عیبی
 نرسد و دولت و دولت و درین نهر ساخته اند و دولت و دولت
 منت نهر که حکم ازین نهر جدا میشود که بجای دیگر جاریست
 و درسی و یک جانب با بجهت میزان کردن پستی و بلندی است
 از برای عبور کشتی ساخته اند و درین بندها دریا و نهرها که
 بزبان فرانسه الکوس می نامند ساخته اند که بجهت عبور کشتی است
 بلندی یا از بلندی پستی که متعذر است می بندند تا آب صاف
 بشود و آنوقت می کشند و کشتی را میرانند و دولت و دولت
 و نهر کوچک نیز بجهت زراعت از او منشعب میشود و درین
 این ولایت نوشته اند که تا بحال در هندوستان چنین
 ساخته نشده است بلکه در کل روی زمین چنین نهری
 مگر نهر بزرگ چین که تجاری ایام ساخته شده پادشاهان
 سابق هندوستان که از طایفه مغول بودند بعضی نهرها
 هندوستان ساخته اند اما نسبت باین نهر که درین وقت
 با تمام رسیده بسیار کوچک و مختصر و بجهت اینکه در
 مثال با تمام رسیده
 احوالات مشرق

۱۲۴۱

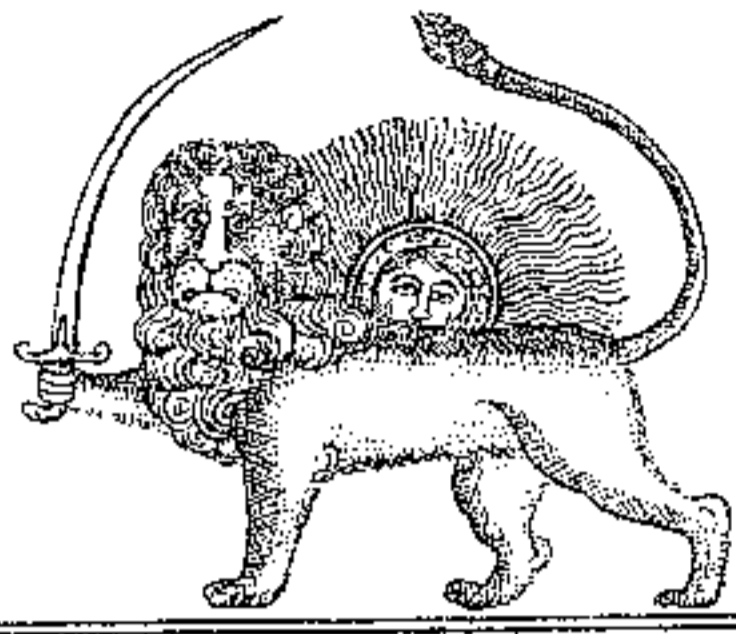
ن
 نشان

بمستزاد ولایت خود نشان میدهد در روزنامه انگلیس نوشته است
 که بسیار می از این انگلیس و از این اسکاتلند که بولایات خارج
 رفتن آنها که خرید و اند و زراعت کرده اند باعث رونق آباد
 آن بولایات و منفعت الی آنجا شده اند
 درست جنوب مملکت فرانسه درین اوقات باز آفت
 افتاده و در مملکت ایتالیا نیز زمین آفتست و ضرر بسیار
 بر عیایای آنجا مانده اند حاصل انکو رسید است در بعضی
 جاها که راه آهن بجهت زرد کال که بخار ساخته اند مردم عام
 آنجا خجال کرده اند که این آفت در تاک انکو بسیار بود
 و غل سکنی حادث شده است و حال اینکه قیصر بر
 باشد زیرا که مطلق در ارتفاعات تاک و سایر اشجار
 میکند و در بعضی جاها که درختهای عزیز می نشاندند بجهت
 از آفت سالم بماند تنها که در زیر درخت میوزانند با بچه
 سطل عمده اهل این ممالک شراب فروشی است درین چند سال
 که آفت تاک انکو افتاده است ضرر کلی کشیده اند و مملکت
 ایتالیا یک پیمان شراب که سابقا بیک تومان فروخته میشد
 حالا به تومان و نیم فروخته میشود
 در شهر سیلر چند وقت پیش ازین ناخوشی و باشد
 تمام داشت و روزی صد نفر در آن شهر میروند
 در روزنامه های فرانکستان که تازه رسیده است در بنا
 مملکت اسپانول نوشته اند که جنگ و آشوب بسیار
 در روزنامه نوشته شده تمام شده بود و دوباره
 برپا شده است اول بعضی از مردم خیال داشتند که منظر
 باغبان برسم زون دولت پادشاه است که بلکه جز

درین روزها که در ایران خیال داشته باشند که دولت
 در اینجا برپا نمایند حال که معلوم شده است هیچکدام ازین
 سببها نبوده است خلق از وزیران بگت آمده بود
 یا غنی شده اند از آنکه پادشاه و زواران بیرون کردند
 دکان دیگر بجای آنها مامور شدند و ولایت آرام گرفت
 اما اگر وزیرای قدیم و همدمان آنها حکم است که
 اخراج بلد باشند
 در روزنامه فرانسه نوشته اند که راه آهن بجهت
 کال که بخار که چند سال است مابین پاریس و نای تحت
 فرانسه و شهر یاتر میازند کم مانده بود که از سر تاک
 راه تمام شود چند سال بود که مشغول ساختن این راه
 بودند و بسیار جاهای او را ساخته بودند اما هم متصل
 بود حال به هم متصل کرده اند که کال که کیر از پاریس
 تا لیانز برود
اعلانات
 کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید
 در محله نزدیک دروازه دو لایب انطباع شده است
 فروخته میشود
 سرای دو تومان
 حق نظامی بیت و خنجر
 رنجة المعارف دو تومان
 معراج العاود یک تومان
 حدیقه رشید هشت هزار
 شامه چهار تومان و نیم

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ و محبت و شکر با محرم محرم

نمره صد و هفتاد و چهار
صفت روزنامه
یک نسخه در هر یک سال
و تان و چهار هزار



منظومه دار اختلاف طهران
صفت اعلانات
یکسره ایچا سطر یکسره ایچا
بیشتر با هر سطر

اخبار و احسنه مالک محرم شاه

دار اختلاف طهران

در روز شنبه پست و یکم اینجاه علیحضرت پادشاهی
تفریح اطراف دار اختلاف را فرموده سوار شدند و تا حدود
عصر موکب نمایون تشریف فرمای صاحب دار اختلاف
بوده نزدیک غروب آفتاب بار مبارکه معهودت فرموده

و بوقت رسیدگی بانها نمودند همگی در کمال آرامشگی و
و شکوه با لباس و آب نظر رسیده مورد تحسین گردیدند
و هم در آن حین چند نفر مقصر که دزدی و شرب و غیره
کرده بودند بحدود جناب امجد فتحشم آوردند و حسب حکم آنها
میان نظام انداخته تنبیه بجا کردند

در روز یکشنبه ۱۲ اینجاه نیز موکب نمایون تشریف فرمای
میدان مشق خارج دروازه دولت که افواج قاهره نظام
در آنجا مشغول مشق بودند گردیده ملاحظه مشق و حرکات آنها
فرمودند و سان بعضی از افواج قاهره نیز در حضور مبارک
دیدند

درین اوقات نواب غفران آقا مصطفی قلی مرزا حکمران
مازندران داعی حق را البتیک اجابت گفته بر حمت آید
میست حسب الامر اقدس نمایون در مسجد دار اختلاف
مجموعه مزبور تا سه روز مجلس فاتحه خوانی گذاشته شاهزادگان

در روز شنبه ۱۴ اینجاه نیز تشریف فرمای اطراف
مبارک گردیده تا نزدیک غروب آفتاب بتفریح مشغول بودند
و وقت مغرب بار مبارکه مراجعت فرموده

عظام و علما و فضلا و سادات و انسای دولت علیه و آله
هر روزه در مجلس فاتحه خوانی حاضر شده لازم تغییر و ایراد
بعل آوردند و هم چنین در مازندران هم عموم امالی آنجا
در مجلس فاتحه مزجوم مشارالیه حاضر گردیده چون از طرف

در نیم در یوم مزبور فوج بلوک طهران جمعی عالیجاه محمد رضا خان
سرتیپ و فوج جدید صفیان جمعی عالیجاه مصطفی قلی خان
در میدان ارگ حاضر گردیده جناب جلالت تبارک
امجد فتحشم در اعراضهم ملاحظه آنرا بیدار تشریف فرمودند

نظم و سبک و رعیت واری او بسیار رضامندی
راست از طرف مزجوم بود و در آنجا بود
عالیجاه مطلب خان تفنگدار حاضر گردیده سواره گردیدند

۱۲۴۳

از این

از این

و بطامی که حسب الامر حاویون بجا قسط طرق و شوارع من
 راه خراسان مأمور است درین اوقات بدر بارها یون
 آید شرفیاب حضور مبارک کردید نظر خدمات و بیگانه
 مشارالیه در انتظام امور آن راهها در حوز محنت و کدورت
 مبلغ پنجاه تومان بصیغه انعام ستبری در حق او عنایت
 گردیده و یک طاقه شال ابره و یک ثوب قبای زری بر
 خلعت در وجه او مرحمت فرموده و مقرود استند که پنجاه
 نفر سواره جدید بکیر و پنجاه نفر پیاده کان جمعی خود
 کرده که من حیث المجموع دولت نفر سواره و پنجاه نفر
 پیاده داشته در محاربت طرق شوارع آنجا پیش
 پیش مراتب خدمتگذاری خود را مشهور رای اقدس
 و امنای دولت علیه سازد که زوار و قوافل بالطنینان
 و اسودکی از آن راهها عبور مرونمایند

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته
 یک نفر از مشایخ عرب که از اهل نجف اشرف بوده از
 راه کلپایگان عبور میکرده است غلام سیاهی داشته
 مادیان او را برداشته فرار کرده است در قراولخانهها
 مستحقین عرض راه غلام را با مادیان گرفته با اصفهان
 نزد عالیجاه چراغ علیخان نایب الحکومه اصفهان فرستاده
 عالیجاه مشارالیه نیز شیخ عرب را حاضر کرده مادیان
 و غلام سیاه را تسلیم او کرده و قبض رسیدگی دریا
 نموده است با ایچ قراولخانههای عرض راه اصفهان کمال
 نظم دارد و در حفظ طرق و شوارع نهایت اهتمام میشود

عالیجاه نصرالد خان سیرتپ فوج کلپایگانی که با فوج خود
 مأمور خدمت فارس بود و در آنجا خدمت شایسته
 بتقدیم رساننده این روزها برکاتب مبارک آمد مورد
 مرحمت شایسته گردید از قراریکه عالیجاه چراغ علیخان نایب الحکومه
 اصفهان نوشته بود یکبار بطبوس و اموال مهمتی و وجه
 نقد قریب هزار تومان از مال مقرب آنجا خان مشیر الملک
 که علی محمد نام مکاری محل میکرد است همان بار را در راه
 فارس مفقود کرده بوده است درین بین سرباز فوج کلپایگان
 می آمده اند بار مزبور را پیدا کرده و با اصفهان آورده اند
 عالیجاه نصرالد خان مطلع شده فرستاده است
 مکاری را آورده اند و مال را با التمام گرفته در حضور عالیجاه
 چراغ علیخان رد نموده است و وینا مری عیب نگرفته بود

دو نفر عیث اصفهانی در حوالی مقصود بیک گرفتار
 چند نفر دزد شده صد و بیست تومان پول نقد آنها را گرفته
 بودند صاحبان پول دزدان را شناخته آمده بر آنها
 بجایگاه چراغ علیخان حالی نموده اند عالیجاه مشارالیه
 عریضه خدمت نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار مریدان
 حکمران فارس نوشته یک نفر آدم خود را با صاحبان
 پول بشیر از فرستاده است که نواب معزی الیه دزدان
 پیدا کرده تنخواه مزبور را استرداد کرده بصاحبان
 از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند نواب
 معزی الیه نیز آدم فرستاده دزدان را پیدا کرده مال
 تنخواه مزبور را تمام و کمال از آنها استرداد نموده بصاحبان
 رد کرده اند

خراسان

از قراریکه در ضمن روزنامه خراسان نوشته بودند این
 کمال نظم و انضباط دارد و مالی آنجا قرین نهایت
 رفاه و آسایش است از جمله نوشته بودند نظم
 امور شهر سجدت است که شبها اکثری از مردم در
 خانه خود را نمی بندند و هیچ وجه آسیبی بمال مردم
 و سرقت و دزدی اتفاق نمی افتد و شبها تا دو
 ساعت از شب گذشته جمیع دکا کین باز است و
 برای مالی شهر و زوار معطلی حاصل نمی شود
 و یک از قراریکه نوشته بودند مقرب انخافان وزیر
 نظام متولی باشی و غیاب نواب مستطاب شام
 و الا تبار فرما فرما در انتظام امور ولایت کمال
 اهتمام دارند و از هر کس خلاف قاعده و بی اعتدال
 بطور رسد فی الفور بمقام رفع آن بر می آیند این
 نوشته بودند یک نفر زوار آمد بمقرب انخافان
 متولی باشی گفت بود که قریب بطور منزل خود
 زیارت میرقمم داخل صحن مقدس شدم و
 در جیب خود کردم دیدم جیب مرا بریده اند بقدر
 چهار تومان پول نقد و اسبابی که داشته ام برداشته
 و شخصی که ز من اورا می شناختم و نه او با من شناسائی
 داشت در بین راه چند قدم با من آمده بطوری
 با من انظار خصوصیت و آشنائی کرد که مرا از حالت
 وحسرت افزود که چقدر اودم خوبی است حال
 که جیب خود واری نمودم یقین کرده ام که همان شخص
 مرکب این عمل شده است مقرب انخافان وزیر نظام

متولی باشی هم یک نفر فرانسس همراه آن شخص
 کرده بودند که گفت شخص مرکب را پیدا کرده و نخواه
 و اسباب او را گرفته رونمایه فرانسس هم رفته
 شخص مذکور را بنامند کی صاحب مال پیدا کرده و نخواه
 و اسباب مسروق را بعینها از او استرداود
 بصاحبش رو کرده و اینمضی باعث خوشوقتی و امید
 واری جمیع زوار گردیده است
 و همچنین از قراریکه در روزنامه نوشته بودند
 وزیر نظام متولی باشی بگلخانه شهر قدغن کرده قرار داده
 که در ساعت سه ظهر تمام شود و بعد از سه ساعت
 از شب گذشته هر کس در کوچه و بازار عبور نماید او را
 بگیرند و اگر اسم شب داشته باشد و فائوس داشته
 باشد و معلوم شود که از اجاره او باشی فیت مین
 نشوند و اگر از الزام باشد تا صبح او را نگاه دارند
 با بجه مقرب انخافان مشارالیه در غیاب نواب
 شاهزاده در نظم امور شهر کمال اهتمام را دارند و
 ولایت و زوار کمال خوشنودی و آسودگی بهم رسانده
 و بر ایض و مطالب فقر و ضعفا رسیدگی کاخی کرده
 احقاق حق بنمایند و هم چنین در انتظام امور شهر کار
 چنانچه در روزنامه های گذشته نیز نوشته شده لایحه
 رسیدگی را معمول بیدار از جمله در تعمیر صحن و رواق
 مقدس و جنابان و غیره اهتمام تمام بعمل آورده اند
 و بسیار خوب و باصفا گردیده است و سبب میزند
 کوفی زوار بجهت استیانتش پادشاهی شده است

۱۲۴۵

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند که
 مستطاب مؤید الدوله طحاسب میرزا حکمران فارس
 مقرب الخاقان عبدالمدخان صارم الدوله را با دو فرسخ
 و توپخانه و توپخانه و سواره و سوار و سوار و سوار
 و هم چنین عالیجاه رضاقلیخان سرتیپ فوج عرب با
 حسب احکام با فوج مامورین درمورد و بخارج شهر نقل مکان
 کرده اند که روانه مقصد شوند و چون در کربس است فارس
 و نزدیکهای بندر مینور سال پنجم شکست علی غلام که باب
 نواب معری الیه تحواه داده و مامورین روانه کرده اند
 که جنس بجهت سیورسات قشون ماموره از محال کرمان
 و جایهای دیگر خریداری نموده در وقت ضرورت با آنها
 برسانند

و دیگر نوشته بودند که فریدون خان یوزباشی که سابقا
 با پنجاه نفر غلام مامور خلوی بند عباس بود و در
 که دیده چون در خطه حراست بندر مینور غفلت و بی
 اجتماعی از مشار الیه بطور رسیده بود مورد مؤاخذه
 و تنبیه گردید

و دیگر نوشته اند که یکی از نوکرهای مقرب الخاقان محمدعلیخان
 اینجانی تفنگ دکی که کلوله پر بوده بدوش داشته و
 غفلت کرده بود که پاشنه او را پنجا باندا نگاه بدرفته
 و بیک نفر آزاد همای اینجانی خورده فوراً پلاک گردیده

و دیگر کسیر اجناس فارس را که نوشته اند مسائل
 بسیار همای دیگر جنس در آنوقت بسیار ترقی دارد و از جمله

گندم حر واری چهار تومان و نیم و جو میخده هزار و برنج
 حر واری پنجمان و سایر چیزها نیز بهین قرار تعمیر دارند
 کربانها

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند تمثال حاج
 اعلیحضرت پادشاهی که با فقار نواب شاهزاده و اولاد
 عماد الدوله مرحمت شده بود در وقت وصول بانجا
 مغزی الیه با چهار فرسخ و جمیع اعیان و اثاثه اف ولایت
 با پنج فرسخ با استقبال شائقه لازم توقیر و احترام
 همیون را بعین آورده اند و بجهت مزید احترام این پنج فرسخ
 تا شهر پیاده مراجعت کرده اند و تمثال جلایون را در تخت
 قرار داده خود نواب مغزی الیه در مقامی که در حضور اعلیحضرت
 پادشاهی معین و از بدستام و انعقاد سلام داده سایر خوانین
 و اهل سلام از صاحب منصبان نظام عجزه هر که آمد در مرتبه
 مقام خود ایستاده اجزای شلیک توپ و صرف شربت و شکر
 و ادای خطبه بنام اعلیحضرت پادشاهی و تقدیم خورسندی
 نموده سلام منقضی کرده است

دیگر نوشته اند که زوار زیاد از اطراف مالک محرو
 بجهت اذن و اجازت که از امنای دولت علیه حاصل کرده اند
 علی التوالی در کربانها ان جمع شده بزیارت عتبات عالیات
 میرند و نواب عماد الدوله حسب الامر از ایام معقه روزهای
 دو شنبه و پنجشنبه را بجهت حرکت زوار فقین کرده اند که بعد
 که قس تذکره و سفارشات لازم بجا آورده و مخلفین روانه
 مقصد شوند در هر یک از منازل عرض راه نیز مستحفظ
 تفکیکی از سوار پیاده که نوشته اند که زوار و عابریان
 از منازل مستحفظ بجز در حراست نموده بگذرانند

اجبار دول خارجه

سنگی و نیای شمالی از قرار روزنامه این است که تازه رسیده است نوشته اند که گفتگونی در آن ولایت بود و باب جزایر سندج که در بحر محیط میباشد میخواهند داخل ممالک شکی دنیا نمایند و عهدنامه کرده اند که کشتیهای یکی دنیا که بچنان رفته و با این چنان بسته بود در شهر و استیشن پای تختیکی دنیا تصدیق کرده و مضمی داشته بودند ناخوشی و با در شهر یونان کشتیکی دنیا بود و کم کم زیاد می شد و روزی بیت نفرویت و یک نفر ازین ناخوشی تلف می شدند از ولایت کسی که خبر میگرفتند نوشته اند که با این اهل قدیم آن ولایت و اولاد فرنگیها که با سجا رفته و آبادی کرده اند دایم جنگ بود و کمان داشتند که جنگ آنها کلی بشود در باب شیلان در سمت شمال غربی آن ولایت میان اهل یکی دنیا و اهل روس که در اینجا سرحد دارند گفتگونی بود و گویا کار با منای دیون

رجوع شده است کاکو

از قرار یک نوشته اندست آنها بزرگ این دولت بعدی زیاد با اهل آنجا میکرد خصوصاً در گرفتن مالیات که بی احتیاج از مردم مالیات دیوان میکرد بطوریکه مردم از ظلم او بستره اند بسیار از انولایت حسابی وطن کرده میفرستند داخل خاک دولت یکی دنیا شمالی می شد که در آنجا اسوده باشد

از سایر ممالک دول خارجه اجباری نبود که مناسب بود داشته باشد که آنچه در احوالات مقرر چاپ شده

احوال انجمن

درین روزها کشتی سجا تازه در مکتب انگلیس ساخته و با کشتی بودند و قیام کشتی بر تو سلامت بآب قتا و جماعتی که در میان او بودند از راه شوخی زور آورده کشتی را با پهلوانان و بسیاری از آنها که در کشتی بودند با آب قتا و چهار نفر غرق شدند که بعضی آنها را از آب در آورده و کمان داشتند که باز هم آدم زین کشتی غرق شده باشد

درین روزها یکی از حیوانات غریب که در سحر می بینند از سمت مصر بولایت انگلیس آوردند و چون که اغلب وقت در میان آب باشد و در میان کشتی که می آورند حوضی بر آب او ساخته و پر آب کرده بودند که هر وقت بخواهند میان آب برود هنوز سحر خوار است و چهار روز آن در آورده و زنش یک طون که سحر و اجزای زیاد تراست می آید و وقتی که با دطعام میدهند شخصی غیب که همراه او امیر آمده است از درخت را با شمشیر خیم کرده نواله میکند و با او میدهد میخورد و دیگر شخص هم بقرض این حیوان رفت نزدیک بود کشته بشود حیوان خواست در میان قفس بگردد و شخص غیب با جنگ و جوارفتار داد بطوریکه غریب بهلاکت بود اهل بفریاد او رسیده خلاصش کرده اند معلوم میشود که این حیوان مانند سایر حیوانات آبی از قبیل کاس آبی و غیره از نوا حوزیکان بسیار خوشش می آید و قشبه موزیکان بچنان کشتی موزیکان می نواختند سرش را بالا میکرد و معلوم بود که از استماع موزیکان خوشش می آید

در بعضی بلوکات فرانسه کندی نزدیک نصف قیمت این کرده است سخته اینکه حاصل امسال اور بعضی باها که در

۱۲۴۷

کرده اند بسیار خوب آمده است موافق خبر آخر که از پارس
پای تخت فرانس آمده است ناخوشی و با که در آنجا بود
کلی یافته است بعد از آنکه هو گرم شد ناخوشی کمتر گردید بطوریکه
از بعضی محلات با انگیزه رفع شده است و این برخلاف
سابق است که در گرمی هوا شدت میکرد

در ستانیه در روزنامه دولتی اعلان کرده اند که من بعد
مقصرین را که واجب القتل میشوند در بیرون نخواهند
در میان حیاط محبوس خانگی کنند در حضور دو نفر حراج
و دو وارده نفر شاپه و یک کشش

در روز تو احکم شده است که هر کشتی که از جزیره مالت به آنجا
بیاید در کراخین نگاه دارند بجهت اینکه گمان ناخوشی با
در جزیره مزبور داشته باشند

در روزنامه کوبکسکی و نیای شمایی نوشته اند که در سال
گذشته بیت و چهار هزار و هفتاد و هشت نفر از فرنگستان
با آنجا آمده بودند و از سالهای گذشته هفت هزار و چهل
هفت نفر ترا دیدیم آن ولایت آمده اند

در بعضی جزایر خط استوا ناخوشی و با شدت داشت
اما اکثر آنها که ازین ناخوشی تلف می شدند از مردمان
سیاه آن ولایت بودند بمرتب که حساب کرده بودند از
اینجا که مرده بودند از عشرت سیاهه های آن ولایت بود
تا بحال ازین جزیره کوچک پانزده هزار نفر فوت شده اند
و اینهم از عشرت کل اهل آن ولایت بود

عمه نامه تجاری که مابین دولتین استرلیه و پرتغال بود
تاریخ ۱۱ رمضان سینه شده بود و بعضی قرار داد
خصوصی تجارت و عبور کشتی گذاشته اند که منصف کلی است

دولتین حاصل میشود سابقا در مملکت استرالیای کالیفرنیا
قیمت زیاد داشت خلق بسیار و طلا فراوان و جنس کرم
بلا حد که انی اجناس در آنجا کل تجارت روی زمین که
دولتین با آنجا داشتند جنس زیاد با ولایت فرستادند
بر تبه که حالا اجناس از هر قسم در آنجا چنین تزلزل کرده
که چند ان فرقی مابین قیمت اجناس در آنجا با سایر ولایات

نیت

در روزنامه انگلیس نوشته اند که پسر عباس شاه حکم
سابق مصر بولایت انگلیس آمده بود که در آنجا سیاحت
نما به کشتی پدر خود را که فیض ایجاد نام داشت سوار شد
بشهر سوئیت بمطمان که اول خاک انگلیس است آمده بود
در آنجا خبر فوت پدرش باور رسیده بگردد در آنجا ماند
و بعد از آن بختی روانه دریا شد که بمصر مراجعت نماید و با
حکمرانی پدرش خود از اعیان و معتبرین آن ولایت بود حال
معلوم نیست که خدمات عمده که سابقا با و رجوع میشدند
شود یا نه

موافق حساب دیوان که در مطبوزن مملکت استرالیای کرده
طلا که از معدن بشهر مزبور می آید با فراول و سواره
هفته دولت و چهل مقال است و این غیر از طلا نیست
که خود اهل آنجا با ادهای خودشان بطور دیگر میفرستند

چونکه در هر سمت دیار و زبرد کشتی بخار زیاد میرود
ذغال سنگی زیاد مصرف میرسد معادن ذغال دولت
انگلیس بسیار خوب کار میکند بطوریکه معدنچیان آنجا میشوند
و بیچیک بیچاره نیستند هم بهایان معادن و هم تجار و هم

بصاحبان کشتی و غنمه منفعت زیاد حاصل میگردد

عبور میکنند نموده و زوان را تمهید لازم میکنند

که بای ز رود قدیم کم یاب و گران بود درین روز که
فراوان در کن رود بای بالتیک در مملکت پرورش
و از بسکه زیاد در اینجا پیدا شود تجارت عمده از که با
مزبور دارند

بناد دارند در مملکت ایرتند مانند ولایت انگلیس قشون
براه بنیادند و وزیرند همه مجوید قرار بدد که مملکت
ایکانه نیز مانند ولایت انگلیس این قشون را گرفته مشون
که میا و آماده باشند

دولت فرانسه بسیار سعی و کوشش میکنند که پنبه در ممالک خود
هم در جزایرینکی دنیا و سم در جزیره العرب که در تصرف
فرانسه است بعل بیاورند چون پنبه چیزی است که روز بروز
بجه کارخانها زیاد مصرف میشود و تا بحال دولت فرانسه
بجه پنبه محتاج دول خارج بودند از اینجه دولت سعی و
کوشش نموده پول زیاد خرج می کنند که پنبه در ممالک خود
بعل بیاید اما تا بحال چیزی نشده است که بکار خلق بخورد
اگر تمهید که بفرانسه می آید ازینکی دنیا و هندوستان
مصرف است

در شهر تیس مملکت فرانسه کشتی تازه زیاد می سازند و تا
آخر سال بیت و کشتی تازه باب خواهند انداخت
و این همه عملات اینت و رواج داد و ستد در ولایت
مزبور است

قیمت بعضی اجناس را در شهر لندن پای تخت انگلیس با اینطور
نوشته اند که در خرواری شش تومان و نیم تا هفت تومان
و چوبه تومان و چهار هزار تا چهار تومان و نیم
تا پنج تومان و هفت هزار بزرگ هفت تومان و چهار هزار
چهار تومان و چهار هزار تا چهار پونز که بیت و چهار
چهارده شاهی تا پانزده شاهی

تعییر اجناس طهران

گندم ساوجباش	یکخوار	دو تومان و دو هزار
گندم دور شهر	یکخوار	دو تومان و یک هزار
گندم غریب	یکخوار	دو تومان
گندم در این	یکخوار	هفت هزار و پانصد
برنج غنچه	چهار مز	یک هزار و نوزده
برنج گزیده	چهار من	یک هزار و هشتاد
برنج سفید کرده	چهار من	دو هزار و سیصد
نان	یکخوار	دو تومان و سه هزار و پانصد

در روزنامه فرانسه نوشته اند که طوفان و رعد و برق
و بارندگی که در وسط تابستان در آنجا شده بود ضرر زیاد
بر اهلای آنجا رسانده است خاک را بهار آورد
و خرابی بر اهلای رسانیده است در بعضی جایها مابین
پاریس و لیان نیز یک بدویت و زرع راه در آنجا
شده است

درین روزها در زوان طایفه عرب در سمت غرب
دریا تاخت و غارت زیاد از کشتی تجار کرده اند و در
خصوص کشتی کوفی در مشورخانه انگلیس شده است کشتی
بان سمت فرستاده اند که محافظت کشتی بنجار را که از آنجا

۱۲۴۹

گوشت یک من یک هزار دینار	۱۰۰	دقال یک خور ایجده هزار	۱۰۰
روغن چهار من یکمان شش عجا	۱۰۰	شع یک من دو هزار و چهار صد	۱۰۰
ارد کدم یک خور دو تومان و خنجر	۱۰۰	تباکوی وسط چهار من یک تومان	۱۰۰
ارد جو یک خور ایجده هزار و نوزده شاهی	۱۰۰	تباکوی اعلی چهار من شانزده هزار	۱۰۰
جو یک خور شانزده هزار	۱۰۰	انقوره یک من سه عباسی	۱۰۰
کاه یک خور هشت هزار و پانصد	۱۰۰	سرکه یک من چهار صد و بیست	۱۰۰
ماش یک خور هفده هزار و پانصد	۱۰۰	خر بوزه چهل من چهار خنجر	۱۰۰
عدس یک خور دو تومان و دو ریال	۱۰۰	خر بوزه قتی چهل من شش هزار و پانصد	۱۰۰
لوبیا یک خور سه تومان و دو ریال	۱۰۰	هندوانه چهل من چهار هزار و پانصد	۱۰۰
کرچک یک خور چهار تومان	۱۰۰	انگور بیت من دو هزار و شصت	۱۰۰
کلم یک خور چهار هزار و پنجاه پول	۱۰۰	سبزی آلات یک من شش شاهی	۱۰۰
ارزن یک خور یک تومان و ده شاهی	۱۰۰	باد سجان صد عدد سه عباسی	۱۰۰
سجود قزوینی یک خور پنجمان	۱۰۰	گاست چهار من شش عباسی	۱۰۰
سجود رسی یک خور دو تومان و شش	۱۰۰	پیر شور چهار من هشت هزار	۱۰۰
غله یک خور هفده هزار و پانصد	۱۰۰	قداروسی یک من هفت هزار	۱۰۰
سکنیک یک خور چهار ده هزار	۱۰۰	قد زردی یک من چهار هزار و نوزده شاهی	۱۰۰
بیمه یک خور نه هزار و دینار	۱۰۰	بنات یک من پنجاه و یک عباسی	۱۰۰
لوبخه یک خور هشت هزار و پانصد	۱۰۰	شکر یک من سه هزار و شصت	۱۰۰
مرغ قطعه ده شاهی	۱۰۰	بل یک من بیت و دو هزار	۱۰۰
تخم مرغ شش بیضه یک عباسی	۱۰۰	میخک یک من شش هزار	۱۰۰
شیره شهد چهار من یک هزار و چهار صد	۱۰۰	زیره یک من دو ریال	۱۰۰
پایه یک خور هشت هزار و پانصد	۱۰۰	زعفران ده سیر شانزده هزار	۱۰۰
کشک چهار من دو هزار دینار	۱۰۰	رز شک سینه یک من دو ریال	۱۰۰
خرما چهار من سه هزار و پانصد	۱۰۰	رز شک تبریزی یک من چهار هزار	۱۰۰
کسش چهار من شش عباسی	۱۰۰	آبلیمو یک من دو ریال	۱۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پونجم بهمن ماه صفر المظفر مطابق با تاریخ میل ۱۲۷۱

نمره صد و نود و پنج
قیمت روزنامه
یک نسخه پست بر
هولاند و چهار نسخه



منطقه دارا اختلاف طهران
قیمت اعلانات
یک خط از چهار سطر یک هزاره
بیشتر با هر سطر پنج هزار

اخبار داخله مالک محروم پادشاهی

دارا اختلاف طهران

در روز سه شنبه عمده ماه صفر تفکیک لاریجانی جمعی
عباسقلی خان که حسب الامر احضار برکاتب جایون شده
بودند در میدان ارک حاضر شده صف کشیدند و
اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی بمیدان مزبور تشریف
فرما کردند جناب جلالت آبا امجد اعظم صدر اعظم
وسایر مقربان حضرت گردون بسطت سینه در حضور
مبارک بودند بعد از ملاحظه تفکیک مزبور که شتر و قاطر
سرکاری را که نازله اجماع نموده و داغ کرده در میدان
ارک حاضر کرده بودند از حضور مبارک گذزایدند چون
همگی درشت و فربه و با اسباب بودند پسند خاطر
جایون گردیدند و از آنجا اعلیحضرت پادشاهی بمدرسه
دارالفنون تشریف فرما گردیده بعد از انقضای تعزیه
بجارت مبارک که سلطانی مراجعت فرمودند که (بجاری)
چون بعد از انقضای ربه عاشور که جمیع تجاریان از برمی
درود نامه محرم و صفر در بعضی تجاریای مخصوص با زبان تعزیه
جناب اباجید العسکری علیه السلام را میگذاردند از جمله

در روز سه دارالفنون حسب الامر جایون حکیمه و طاق
سبب مشغول تعزیه واری شدند و اعلیحضرت پادشاهی
بعضی از روزنا تشریف فرمای مدرسه مزبوره گردیدند
جناب جلالت آبا شرف افخم صدر اعظم و سایر
امسای دولت علیه و مقربان حضرت گردون بسطت
سینه طهرم حضور مبارک بوده و لوازم تعزیه و ایراد بطن
در روز یکشنبه ۲۹ ماه گذشته جناب جلالت آبا
اشرف افخم صدر اعظم بمیدان ارک تشریف آوردند
که شتر و قاطر سرکاری را که عالیشان میرزا فتحعلیخان
مستوفی و قاسم خان صاحب جمع سرانجام نموده در میدان
مزبور حاضر کرده بودند بدقت یکی یکی رسیدگی نموده
و دلائل آن در حضور جناب معظم قیمت آنها را مشخص
نموده اغلب قاطرهای تحت و شترهای درشت فربه و
و اما با اسباب تمام بودند و بعد از ملاحظه و تشخیص
قیمت آنها مقرر فرمودند که در میدان مزبور آنها را داغ
نشان نموده و اصل شترخانه و قاطرخانه نمایند

۱۲۵۱

دو فوج کرسوس ابوالجهمی عالیجاه حسنعلی خان سرتیپ که بمقتلی
 عالیجاه حاجی محمد خان احضار کاشیده بودند در سیم محرم
 وارد دربارهایون شده در خارج شهر اردو زدند و در
 عرض راه بهم با کمال نظم حرکت کرده بودند بعد از ورود
 لشکر نوبیان عظام سان آنها را دیده و یکی در کمال استیلا
 بودند بعد از اذن جناب الامیرهایون مأمور خدمت
 ایشان گردیدند و بجهت اتمامات عالیجاه حسنعلیخان سرتیپ
 در انتظام افواج مزبور در وقت ورود یک قبضه تفنگ
 و دو لوله خوب با و محبت شده و در وقت مرضی سرتیپ
 یک ثوب جبهه سزاگرمانی اعلی بشا را ایه عنایت گردیده
 در او اخر محرم با فوج روانه ایشان شد

نظر با اتمامات عالیجاه سرتیپان در انجام خدمات محوله
 بخود و ظهور محبت لیکانه در باره مشارالیه درین اوقات
 یک ثوب کلبچه از بلوسن مبارک با و محبت فرمود

اعلانات

خانه عالیجاه میرزا تقی خان واقعه در محله سنگلج در
 باغ مقرب انخافان میرزا موسی وزیر دارالخلافه که مشغول است
 بر دست بیرونی و اندرونی و خلوت و طوبی که جا
 بقت مال دارد و از خلوت او آب قنات سنگلج متصل
 بعقبت خیره فروخته میشود هر کس خریدار باشد از
 خانه مزبور خریداری نماید

سایر ولایات

اورز پاشایان از فراریکه در روزنامه این ولایت
 نوشته اند چون قرار قصابان بهریر این بود که در اول
 گوشت را یک من چهار عباسی میفرجند امسال هم بولایت

شاهزاده والا تبار نصره الدوله و مقرب انخافان قایم مقام
 معرود داشته بودند که از فرار سالی تحلف نمایند صفت
 نظر بهزکی که اغلب سالها در حسین اوقات میکرده و به نسبت
 می نوشته اند و تعارف و تکلفی میباشند داده گوشت را کرا
 میکرده اند امسال هم رفته به نسبت نوشته بودند چون ح
 بجای بود تو اسب هزاره و مقرب انخافان قایم مقام
 مردم را در فروختن گوشت ماذون کردند که از فرار سالی
 فروخته از عهده مثال دیوانی برآیند دیگران نیز تا سه چهار
 روز گوشت فراوان در درب و کاکین قصابان می گشتند
 و میفرجند و گوشت سجده می و فور بهم رسانده بود که
 چهار عباسی از زانتر شده بود جماعت قصاب که اینطور
 دیدند از غل خود نادم و پشیمان شده شغها بر اینکته اند
 و کاکین خود را کسوده مشغول شغل و کار خودشان کردند

دیگر نوشته اند که دو فوج شخته قاپو ابوالجهمی عالیجاه
 محمد علیخان سرتیپ را درین روزها احضار به تبریز نمودند
 که تدارکات آنها را دیده روانه دربارهایون گامین
 و همچنین فوج مرغه ابوالجهمی مقرب انخافان حسین پاشا
 میر سنجی و فوج پانزدهم شتانی جمعی عالیجاه ابو الفتح خان
 سرتیپ را هم برای قراولی شهر تبریز خوانند

دیگر نوشته اند که چون چند سال بود که زوآرا ازین رفتن
 زیارت عبات عالیات نداشتند امسال که اذن
 از اولیای دولت علیه برای عموم خلق حاصل شده است
 زوآر زیاد از او با سجان بعد از شت هزار نفر روانه زیارت
 عبات عالیات شده اند و از تعارف و شایسته تبریز